# آشنایی با *حیات الحیوان دمیری*، به مثابه منبعی کمکی در شناخت داروهای حیوانی

علی غفرانی[الف*]، سیده نرگس تنهایی[ب]، محبوبه فرخنده‌زاده[ج]

[الف] گروه معارف اسلامی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

[ب] گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

[ج] گروه معارف اسلامی، دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

## چکیده

**سابقه و هدف:** علم الحیوان (دانش جانورشناسی) در طبقه‌بندی علوم، از بخش‌های فرعی حکمت طبیعی به‌شمار رفته است. مسلمانان در این حوزه آثاری از جنبه‌های مختلف فقهی، تفسیری، لغوی، ادبی و عرفانی به‌رشتهٔ تحریر درآورده‌اند. در متون جانورشناسی، انواع موضوعات علمی بررسی و مطالعه شده است. یکی از محورهای علمی که نویسندگان دانش جانورشناسی به آن پرداخته‌اند، مبحث فواید و خواص درمانی اعضای بدن جانداران است. در پیشینهٔ تاریخی دانش داروسازی و داروشناسی، داروهای کاربردی با پایهٔ گیاهی، حیوانی و معدنی بوده‌اند. بر اساس گزارش‌های تاریخی همواره بخش قابل توجهی از داروهای مورد استفاده، از اجزاء بدن حیوانات تهیه می‌شد. از این‌رو، بخشی از متون جانورشناسی به کارکرد و ویژگی‌های درمانی داروهای حیوانی اختصاص دارد. کتاب «*حیات الحیوان*» نوشتهٔ کمال‌الدین دمیری (م :۸۰۸ق) در زمرهٔ آثار ادبی است که از مفصل‌ترین و مهم‌ترین متون تولیدی در حوزهٔ جانورشناسی به‌شمار می‌رود.

**مواد و روش‌ها:** مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر که با رویکرد توصیفی نوشته شده، ضمن معرفی و بازخوانی کتاب «*حیات الحیوان*» دمیری، به جایگاه داروهای حیوانی در این دست‌نوشته پرداخته است.

**یافته‌ها:** یافته‌های نوشتار پیش‌رو نشان می‌دهد محورهای اصلی این اثر بیان کارکرد و ویژگی‌های درمانی جانوران گوناگون اعم از حیوانات اهلی و وحشی، پرندگان، آبزیان و حشرات و اثربخشی بافت و اعضای بیرونی و درونی آنها در معالجهٔ انواع بیماری‌هاست. استعمال دارو به شیوه‌های مختلف (خوردنی، استنشاقی و ...) توصیه شده است.

**نتیجه‌گیری:** در سنّت داروسازی مسلمانان ادویهٔ حیوانی یکی از انواع پایهٔ دارویی بوده که در معالجات بیماری‌ها تجویز می‌شده است. شناخت و خواص جانوران در آثار متعدد علمی آمده است؛ چنانکه «*حیات الحیوان*» دمیری که در حوزهٔ جانورشناسی نوشته شده، حاوی نکاتی ارزنده در زمینهٔ دانش داروسازی و داروشناسی است.

**کلیدواژه‌ها:** جانورشناسی، داروهای حیوانی، طب سنتی

تاریخ دریافت: شهریور ۹۹
تاریخ پذیرش: دی ۹۹

## مقدمه:

واکاوی متون تألیفی دانشمندان مسلمان نشانگر آن است که صاحبان قلم و خرد در حوزه‌های مختلف علمی، آثار متعددی تألیف کردند که از جمله می‌توان به متونی که پیرامون جانوران نوشته شده، اشاره کرد. نگارش کتاب‌های جانورشناسی با توجه به هدف نویسندگان، متفاوت بوده است. در تمامی آثاری که در زمینهٔ جانورشناسی و تاریخ طبیعی نوشته شده، از موضوعات دیگری به‌جز حیوان‌شناسی نیز بحث شده است. یکی از شاخصه‌های مهمی که در انواع متون تألیفی این حوزه به آن توجه شده، کاربرد دارویی و درمانی اعضاء و بافت حیوانات است. از این‌رو می‌توان گفت گرچه این دسته از آثار به‌طور خاص دربارهٔ انواع جانوران نوشته شده است، اما مطالبی را شامل می‌شود که در این حوزه نمی‌گنجد؛ به‌گونه‌ای که حتی نمی‌توان «مرز آشکاری میان جانورشناسی و پزشکی حیوانات قائل شد...» (۱). از برجسته‌ترین آثار تألیفی دربارهٔ جانداران، کتاب «*حیات الحیوان الکبری*» نوشتهٔ کمال‌الدین‌بن‌موسی‌بن‌عیسی‌بن‌علی دمیری (۷۴۲ تا ۸۰۸ق) است که به‌لحاظ گستردگی مطالب و محتوای آن بر بیشتر جنبه‌های علمی اعم از ادب و لغت، فقه و تفسیر، دارویی و

* فرد مسئول مکاتبات: a.ghofrani@basu.ac.ir

پزشکی، از مهم‌ترین و مشهورترین متونی به‌شمار می‌رود که در این موضوع به زبان عربی نوشته شده است. از این‌رو پژوهش حاضر بازکاوی کارکرد دارویی- درمانی جانداران و اعضای بدن آنها به‌عنوان ادویهٔ مفرده و مرکب در «حیات الحیوان» دمیری است.

طبیعی است که نویسندگان این مقاله، تخصصی در حوزهٔ سلامت ندارند و از هرگونه اظهارنظر تخصصی اجتناب کرده و در پی آن نبوده‌اند که درستی و یا نادرستی و عدم تأثیرپذیری داروهای حیوانی را به‌عنوان روش درمانی تبیین و توجیه کنند. باتوجه به گسترش مطالعات کاربردی در حوزهٔ طب سنتی و لزوم روزآمد کردن برخی تجربیات بهداشتی و درمانی پیشینیان از سوی محققان حوزهٔ سلامت و درمان، نویسندگان مقاله درصدد بوده‌اند تا بخشی از اطلاعات خام دربارهٔ خواص دارویی اجزای بدن حیوانات مختلف را که در یک کتاب ادبی به زبان عربی انباشته شده- اما برای محققان حوزهٔ سلامت ناشناخته است و باید گفت غیرقابل استفاده مانده است- به عرصهٔ دانش و به زبان فارسی عرضه کنند. بدون شک کاربرد دارویی جانداران و اجزای بدنشان، نیازمند مطالعه و روش‌های آزمایشی علمی نوین خواهدبود. به امید آنکه محققان و متخصصان حوزهٔ بهداشت و درمان، با استفاده از روش‌های پژوهشی خاص و نوین، به تحقیق جدی در این حوزه بپردازند و صحت و سقم بسیاری از اقوال پیشینیان از جمله دمیری در این‌باره آشکار شود.

با وجود بررسی ابعاد مختلف جایگاه و عملکرد داروهای حیوانی و اثربخشی آن در مداوای انواع بیماری‌ها، در پژوهش‌های انجام‌شده به مسألهٔ تحقیق حاضر بازکاوی جایگاه داروهای حیوانی در «*حیات الحیوان*» دمیری توجهی نشده است. با این‌حال توصیف و شناسایی این اثر از جنبهٔ جانورشناسی و ادبی مورد پژوهش و واکاوی قرار گرفته است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. مقالهٔ «کتاب *الحیوان*؛ جانورشناسی در تمدن اسلامی» نوشتهٔ فاطمه مهری که در مجلهٔ «معارف» چاپ و نشر شده، از این دسته است (۱). در این نوشتار نویسنده نخست از کتاب‌هایی که از جنبه‌های مختلف علمی در حوزهٔ دانش جانورشناسی تألیف شده‌اند، نام برده و در ادامه ضمن تقسیم‌بندی آنها از حیث هدف تألیف، به اختصار به تحلیل محتوایی متون پرداخته است. در این مقاله «*حیات الحیوان*» از زمرهٔ آثاری است که ضمن توصیف و معرفی نویسنده و کتاب از جنبه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. یکی از مباحثی که نویسندهٔ مقاله در توصیف این اثر اشاره کرده، کارکرد دارویی بافت و اجزاء حیوانات است. مقالهٔ «بررسی ترجمه‌های حیات الحیوان و کتاب‌های بیطاری در ایران از آغاز تا روزگار قاجار» به قلم زهرا آقابابایی که در مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان چاپ شده، یکی دیگر از پژوهش‌هایی است که باید از آن نام برد (۲). نوشتار یادشده، بازخوانی تاریخچه‌ای از پیشینهٔ جانورشناسی با تأکید بر کتاب دمیری است که تلاش نویسنده بر آن بوده به ذیل‌ها، مختصرها و ترجمه‌های تهیه‌شده از این متن که به زبان‌های مختلف انجام شده، نگاهی داشته باشد. همچنین باید از دو مقاله با نام‌های «دمیری» نوشتهٔ محسن معینی و «آرای دمیری در جانورشناسی» به قلم شمامه محمدی‌فر که در «*دانش‌نامهٔ جهان اسلام*» نوشته و چاپ شده یاد کرد (۳، ۴). مقالهٔ نخست معرفی زندگینامه، حیات و آثار علمی دمیری است. اما پژوهش «آرای دمیری در جانورشناسی» نوشتهٔ محمدی‌فر، ضمن معرفی *حیات الحیوان* و علت تدوین اثر، توصیف کامل و جامعی از ویژگی‌ها، منابع، مدخل‌ها و روش دمیری در نگارش کتاب به‌دست داده است. مرور این پیشینه حاکی از آن است که مقالات یادشده با پژوهش حاضر هم‌پوشانی ندارد و تا کنون هدف مطالعهٔ پیش‌رو که بازخوانی جایگاه ادویهٔ حیوانی در «حیات الحیوان» است، بررسی و تبیین نشده است.

## مواد و روش‌ها:

داده‌های این پژوهش جمع‌آوری داروهای حیوانی در متن کتاب «حیات الحیوان» دمیری است که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. سپس اطلاعات موجود، با رویکرد توصیفی و با رویکرد مروری مورد بازخوانی قرار گرفته و در نهایت گزارش نتایج به‌صورت تحلیلی بررسی شده است. نویسندگان نوشتار حاضر در پی آن نبوده‌اند که مستندات مطالعهٔ پیش‌رو را

در بوتهٔ آزمایش‌های علمی نوین و بالینی مورد بررسی قرار دهند.

## یافته‌ها و بحث:

### علم‌الحیوان و پیشینهٔ تاریخی آن در میان مسلمانان

دانش جانورشناسی یا علم‌الحیوان از علومی است که مسلمانان از دیرباز به آن پرداخته‌اند و مطالعات نشانگر آن است که این دانش در عرصه‌های مختلف علمی (لغوی، فقهی، تفسیری و...) مطالعه و تحقیق شده است. در حقیقت اندیشمندان مسلمان، میان دانش دامپزشکی و جانورشناسی تفاوت دقیقی قائل نشدند، از این رو مباحث این دو رشتهٔ علمی را می‌توان در متون اختصاصی مانند فَرَسنامه‌ها یا بازنامه‌ها یافت. البته بر اساس شواهد و قرائن تاریخی، باید دامپزشکی را از دانش‌هایی دانست که در ادوار باستانی و مکاتب علمی ایرانی و یونانی مورد توجه بوده است. علاوه بر این، اعراب قبل از اسلام نیز اطلاعاتی به‌طور تجربی در این زمینه کسب کرده و یا از ملل متمدن گرفته بودند (۵). نکتهٔ شایان توجه آنکه ابن‌ندیم در «*الفهرست*» برخلاف دامپزشکی که فصل خاصی را به آن اختصاص داده، متون مربوط به جانورشناسی (الحیوان) را در ذیل نام مؤلفان آورده است (۶). از این‌رو سزگین معتقد است دانش جانورشناسی از سدهٔ چهارم هجری به‌عنوان علم مستقلی در نظر گرفته شده و حتی وی بحث منظم دربارهٔ علم‌الحیوان (جانورشناسی) را با اغماض، از مطالعات مربوط به قرن هشتم هجری دانسته است (۷). بعد از گسترش اسلام، علوم طبیعی به موازات سایر علوم مورد توجه اندیشمندان و علمای مسلمان قرار گرفت و آثار بسیاری در این زمینه به رشتهٔ تحریر درآمد. کندی، فارابی، جاحظ بصری، ابن‌سینا و جمعیت اخوان‌الصفا و... در حوزهٔ علوم طبیعی و از جمله جانوران آثاری نگاشته‌اند (۵).

اندیشمندان و علمای مسلمان در تقسیم‌بندی علوم، علم‌الحیوان یا جانورشناسی را زیرمجموعهٔ علوم طبیعی (طبیعیات) یا حکمت طبیعی قرار داده‌اند. فخرالدین رازی (۶۰۶ق) در «*جامع العلوم*» از شصت علم سخن گفته که ابواب سی‌وشش و سی‌وهفتم اثرش را به علم‌البیطره و علم‌البُزاه اختصاص داده است (۸). شمس‌الدین آملی (۷۵۳ق) در اثرش «*نفایس الفنون*» فروع طبیعی را مشتمل بر ده فن دانسته و در این تقسیم‌بندی نوشته است: «هشتم علم حرف طبیعی همچون بیطره و علم بزاه و... » (۹). مطالعه و آگاهی دربارهٔ جانوران از جنبه‌های مختلف مورد توجه بوده و این اطلاعات را می‌توان در کتاب‌های متعدد یافت؛ کتاب‌های عجایب‌نامه، متون لغوی، آثار جغرافیایی و سفرنامه‌ها از آن جمله‌اند. همچنین متون دائره‌المعارفی را باید در زمرهٔ آثاری دانست که بخشی از فصول خود را به جانورشناسی اختصاص داده‌اند. در متون تاریخی، گاه اطلاعات مختصری در این زمینه یافت می‌شود. نویسندگان متون فقهی و تفسیری و آثار صیدیه یا شکارنامه نیز از جنبهٔ آداب و قوانین صید و مطالب فقهی به این دانش نظر داشته‌اند. علاوه بر موارد یادشده، باید از کتاب‌های بیطره نام برد که به‌طور اختصاصی دربارهٔ پزشکی جانوران نوشته شده‌اند. در نهایت باید از متون پزشکی و دارویی یاد کرد که همواره در بخش معرفی و توصیف ادویه (مفرد– مرکب)، دربارهٔ خواص و ویژگی‌های درمانی اعضا و کارکرد دارویی بافت و جوارح جانداران مطالبی دارد (۱).

مطالعهٔ کتاب‌هایی که در حوزهٔ حیوان‌شناسی به‌رشتهٔ تحریر درآمده‌اند، حکایت از آن دارد که در بیشتر این متون، ضمن سخن از ویژگی‌های کلی حیوانات به خواص دارویی و کاربرد درمانی اجزاء بدن آنها نیز اشاره شده است. گرچه در این میان موارد نادری نیز وجود دارد، چنانکه فارابی در «*احصاء العلوم*» از کاربرد درمانی و معالجه سخنی به‌میان نیاورده است (۱۰). صرف‌نظر از موارد نادر، پیشینهٔ تاریخی حکایت از آن دارد که تجویز اجزا، بافت و اعضای بدن حیوانات امری دیرپا بوده و استفاده از آن در جوامع انسانی تجربه شده بود. از کتاب «*الحیوان*» ارسطو می‌توان به‌عنوان نخستین اثری نام برد که در آن از کاربرد دارویی اجزای بدن حیوانات یاد شده است (۷). برگردان این متن به زبان عربی الگویی بود که مسلمانان در تألیف این دسته از آثار از آن بهره برده‌اند. البته باید به این نکته اشاره کرد که، گرچه آثار مکاتب ایران و یونان باستان سبب تقویت اندیشهٔ جانورنگاری مسلمانان شده است، اما در

بسیاری از آیات قرآن، انسان، گیاهان، حیوانات و اجرام سماوی نشانه و آیت الهی خوانده شده‌اند که دانشمندان مسلمان به‌سبب نیاز روزمره و بررسی و نگرش کتاب درصدد تحقیق و تفحص برآمدند.

**معرفی *حیات الحیوان***

کتاب «*حیات الحیوان*» دمیری مهم‌ترین متن تولیدی در حوزهٔ حیوانات است که آن را نخستین فرهنگ جامع جانورشناسی دانسته‌اند (۱). بلاچ از این کتاب به‌عنوان دایره‌المعارف حجیم فراجانورانی یاد کرده که به تعداد بی‌شماری از حیوانات پرداخته است (۱۱). دمیری در این کتاب، اطلاعات گوناگون دربارهٔ جانوران را از ابتدا تا زمان خود (سدهٔ هشتم هجری) جمع‌آوری کرده است. در مجموع حدود ۱۰۶۸ نوع از جانداران در این اثر مورد پژوهش و مطالعه قرار گرفته شده که به‌ترتیب حروف معجمه (حروف الفبا) منظم شده است (۵-۲). در نگارش این اثر، دمیری علاوه بر شنیده‌ها، از ۵۶۰ کتاب در حوزه‌های مختلف علمی و ۱۹۹ دیوان شعر بهره برده است (۱۲). به‌جز یافته‌های متون کهن یونان و اعراب، نقل‌قول اندیشمندانی مانند ابن‌بختیشوع، ماسرجویه، زکریای رازی، ابن‌سینا و... در این اثر مشاهده می‌شود. این اثر نخستین‌بار توسط حکیم شاه‌محمد قزوینی (م۹۹۶ق) با عنوان «*حیات الانسان*» به زبان فارسی برگردانده شد. ترجمهٔ دیگر «*حیات الحیوان*» به زبان فارسی توسط حکیم‌الدین ادریس بدلیسی (م۹۲۷ق) - مؤلف کتاب *تاریخ آل‌عثمان* با نام *هشت بهشت* به زبان فارسی- انجام شده است.

**شیوهٔ تألیف**

*حیات الحیوان الکبری* شامل یک مقدمه و ۲۸ باب است که اطلاعات جامعی دربارهٔ انواع جانداران از حیوانات اهلی و وحشی، پستانداران، پرندگان، آبزیان و حشرات دارد. مجموع مدخل‌های کتاب که هر کدام به بیان نام و ویژگی‌های یک حیوان اختصاص دارد، ۱۰۶۹ مدخل است. البته گاه نام برخی حیوانات با کنیه و یا نام‌های مترادف و اسامی گوناگون در مدخلی جداگانه تکرار شده است (۱۳). روش تنظیم کتاب به‌این‌گونه است که نخست در ذیل نام هر حیوان، اسم را به‌طور کامل ضبط کرده و سپس اطلاعاتی دربارهٔ واژه‌شناسی، معنای لغوی و اختلاف روایات در ضبط و نام‌های مترادف می‌آورد. توصیف حیوان، اخبار و روایات مربوط به طبیعت و سرشت هر حیوان، آداب و رسوم مرتبط با حیوان، حکم فقهی خوردن، خرید و فروش و استفاده از حیوان برای اهداف دیگر، ضرب‌المثل‌های مربوط به آنها و حکم تعبیر خواب حیوان از آگاهی‌های دیگری است که در ادامه به آن پرداخته شده است. روش دفاعی و صیانت حیوانات از خود که این اطلاعات تحت عناوینی همچون «فایده»، «حکم»، «خواص»، «امثال»، «تعبیر»، «فرع»، «غریبه»، «عجیبه»، «تذنیب»، «تنبیه»، «حکی»، «قاعده»، «تتمه» و... دسته‌بندی‌شده، از مطالب دیگری است که به آن اشاره می‌شود. علاوه بر موضوعات یادشده، اطلاعاتی در زمینه‌های علوم گوناگون مانند اماکن جغرافیایی، زیستگاه جانداران و گاه نقل حوادث و رویدادهای تاریخی آمده است (۳).

به‌این‌ترتیب، این اثر حاوی آگاهی‌های ارزنده دربارهٔ دانش جانورشناسی است که بیان فواید و خواص منافع و مضرات جانداران از جنبهٔ پزشکی و دارویی هم مورد توجه نویسنده بوده است. دمیری پزشک و یا جانورشناس نبود، بلکه یک ادیب به‌شمار می‌رود. از این‌رو باید از «*حیات الحیوان*» به‌عنوان اثری در حوزهٔ داروسازی یاد کرد نه داروشناسی. با وجود این، از نکات شاخص در این کتاب اشاره به خواص دارویی و کاربردهای درمانی اجزای بدن جانداران است که بدون تردید وی اطلاعات خود را از جست‌وجو در متون پزشکی، دارویی و غیر آن دربارهٔ ارزش دارویی بخش‌های مختلف اندام و اجزای حیوانات برای مداوای انواع بیماری‌ها گردآوری کرده است. وی خواص دارویی هر جانور را بررسی کرده و در ۷۳۲ جای اثر خود مداوای ۲۶۹ بیماری را آورده است (۳).

**داروهای حیوانی در متون پزشکی و دارویی**

پیش از پرداختن به کاربرد دارویی اجزاء بدن حیوانات در «*حیات الحیوان*» دمیری، ضروری به‌نظر می‌رسد به جایگاه داروی حیوانی در متون داروسازی- داروشناسی و پزشکی مروری گذرا شود. مطالعهٔ کتاب‌های یاد شده نشانگر آن است که انواع داروها در قدیم از سه منشأ گیاهی، حیوانی و معدنی (کانی) به‌دست می‌آمدند. گرچه گستردگی و جامعیت ادویهٔ

گیاهی به مراتب از دو نوع دیگر بیشتر بوده است، اما داروها با پایهٔ حیوانی و معدنی نیز استفاده شده‌اند.

کتاب «*الابنیه عن حقایق الادویه*» هروی از نخستین متون تألیفی است که هدف از نگارش آن بیان خواص درمانی مفردات پزشکی و ویژگی و کاربرد رایج آنها در دانش داروسازی بوده است. مهم‌ترین کتاب‌هایی که در سده‌های بعد در دانش داروسازی و گیاه‌شناسی نوشته شده، باید از «*الصیدنه*» بیرونی، «*الجامع فی الادویه المفرده*» ابن‌بیطار، «*تحفه المؤمنین*» مؤمن حکیم (سدهٔ یازدهم هجری) و «*مخزن الادویه*» عقیلی خراسانی (۱۱۸۵ق) که در زمرهٔ مهم‌ترین متون این حوزه به‌شمار می‌روند، نام برد. هروی در اثرش، خواص دارویی ۵۸۴ مادهٔ دارویی را آورده که به فواید داروهای حیوانی نیز پرداخته است.(۱۴)؛ گرچه تأکید بیرونی در «*الصیدنه*» بیشتر شناسایی و توصیف گیاهان و مواد معدنی بوده است، اما دربارهٔ خواص درمانی اجزاء حیوانات در معالجات آگاهی‌های مختصری دارد (۱۵). ابن‌بیطار در «*الجامع فی الادویه*» حدود ۱۴۰۰ داروی مفردهٔ گیاهی، معدنی و جانوری را توصیف کرده که خواص دارویی حیوانات را هم شامل می‌شود (۱۶). در «*تحفه المؤمنین*» و «*مخزن الادویه*» علاوه بر فواید داروهای گیاهی، نمونه‌های بسیاری از خاصیت و کارکرد دارویی حیوانات، پرندگان و حشرات در معالجات بیماری‌ها می‌توان یافت (۱۷، ۱۸). از متون دارویی که بگذریم، فصل یا بخش قابل‌توجهی از آثار پزشکی که در سده‌های نخستین به‌رشتهٔ تحریر درآمده، به توصیف و معرفی داروها و کاربرد آن در معالجات انواع بیماری‌ها اختصاص دارد. «*فردوس الحکمه*» دانشنامه‌ای پزشکی است که حاوی اطلاعاتی در موضوعات مختلف علمی است، در بخش حیوان‌شناسی این اثر به‌طور مشروح نکات ارزنده‌ای درمورد منافع حیوانات و استفاده از بافت و اعضای بیرونی و درونی بدن آنها در درمان بیماری‌ها آمده است (۱۹).

محمدبن‌زکریای رازی و ابن‌سینا نیز بخش مهمی از متون پزشکی خود را به شناسایی و شرح داروهای مفرده اختصاص داده‌اند. رازی جلدهای بیستم و بیست‌ویکم «*الحاوی*» را به شناسایی، توصیف و طبیعت و فواید ادویهٔ مفرده اختصاص داده که بیان ویژگی‌های حیوانات، پرندگان و جانوران آبزی از آن جمله است (۲۰).

ابن‌سینا در بخش قابل‌توجهی از «*القانون*» به توصیف و بیان خواص درمانی انواع داروهای گیاهی، حیوانی و معدنی پرداخته است. مطالعهٔ این بخش نشان می‌دهد که ابن‌سینا در یادکردش، از خواص درمانی انواع حیوانات اهلی و وحشی، پرندگان و حشرات و اعضای بیرونی و درونی آنها نام برده است (۲۱).

**ادویهٔ حیوانی در *حیات الحیوان***

محور اصلی پژوهش موردنظر، استعمال و کارکرد دارو با پایهٔ جانوری در حفظ و سلامت جسم و ذهن، پیشگیری از انواع بیماری‌ها و درمان آنها و همچنین چگونگی استعمال ادویهٔ حیوانی در کتاب «*حیات الحیوان*» دمیری است؛ از این‌رو در ادامه به مهم‌ترین موضوعات یاد شده در این متن پرداخته می‌شود.

– در این دست‌نوشته، خواص درمانی انواع جانداران از حیوانات خانگی و وحشی، پرندگان، آبزیان (انواع ماهی‌ها) و انواع حشرات مطالعه و بررسی شده و فواید بافت و اعضای داخلی بدن حیوانات مانند کبد، جگر، استخوان، خون و اجزای بیرونی و فرآورده‌های حیوانی (گوشت، شیر، مو، پوست، پشم، سُم، ادرار و مدفوع) توصیف شده است.

– مطالعهٔ کتاب «*حیات الحیوان*» نشان می‌دهد که علاوه بر جانداران یادشده، نویسنده از موجوداتی که امروز در رستهٔ سخت‌پوستان یا نرم‌تنان از آنها یاد می‌شود مانند ملخ دریایی (میگو) و صدف نیز نام برده است. وی ضمن بیان طبیعت گرم انواع میگو، به خواص درمانی آن برای بیماری جذام و یا شب‌کوری سخن گفته است (۱۳). همچنین از فواید بی‌شمار صدف در تصفیهٔ خون کبد و قلب، کاهش درد نقرس، بینایی چشم و رویش مو سخن گفته است (۱۳).

– داروهای حیوانی به‌عنوان بخشی از ادویهٔ مفرد و مرکب تجویز شده‌اند که کاربرد آنها به‌صورت مفرد و یا در ترکیب با ادویه با پایهٔ گیاهی، معدنی و یا مواد خوردنی بوده است (۱۳). به نوشتهٔ دمیری، خوردن مخلوطی از عاج فیل و عسل برای

تقویت حافظه مؤثر است و یا وی جوشاندن کلیهٔ گوسفند با روغن زنبق را برای رشد مو و ترکیب فضلهٔ کبوتر سرخ با دارچین را برای شکسته‌شدن سنگ مثانه مفید دانسته است (۱۳).

– دمیری در بیان خواص درمانی و کارکرد دارویی جانداران کوچک مانند حشرات و موجوداتِ ریز دریایی مثل صدف‌ها فقط به خاصیت عمومی بدن آنها اشاره کرده است.

– در توضیح ویژگی و فواید دارویی حیوانات و اجزاء بدن آنها نظم و ترتیب خاصی رعایت نشده و در مواردی به صورت کلی به نقل خواص درمانی اکتفا شده است، بدون آن که کیفیت و نحوهٔ تجویز آن بیان شود. چنانکه در توضیح ویژگی مدفوع بز، تنها به اینکه سبب از بین رفتن و یا کوچک شدن خنازیر (غده‌های زیر گلو) می‌شود، بسنده می‌شود. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، توضیحی دربارهٔ نحوهٔ استعمال زهرهٔ حیوانات داده نشده است (۱۳).

– تعیین زمان مصرف دارو یکی از مباحثی است که در شیوهٔ استعمال ادویه به بیماران توصیه می‌شود. گرچه در «*حیات الحیوان*» در بیشتر موارد به زمان استفادهٔ دارو اشاره‌ای نشده، با وجود این در تجویز برخی داروها به این مهم پرداخته شده است. چنانکه برای درمان قطعی عرق‌النسا (سیاتیک) تأکید شده که چربی گوسفند به مدت سه روز به بیمار به‌صورت ناشتا خورانده شود (۱۳).

– یکی از بخش‌های مفصل کتاب «*حیات الحیوان*» مبحثی است که نویسنده به خواص درمانی گوشت حیوانات اعم از حلال‌گوشت و حرام‌گوشت و پرندگان اختصاص داده است. اطلاعاتی که وی در این بخش به مخاطبین خود داده، سخن از مباحثی چون طبیعت گوشت‌ها، سرد و یا گرم بودن انواع گوشت‌های حیوانات و پرندگان، خواص درمانی، کیفیت مصرف گوشت، متناسب بودن آن با انواع مزاج‌ها و تعیین زمان مصرف گوشت است. به‌نوشتهٔ وی گوشت حیوان نر بهتر از ماده، فصل بهار بهترین زمان مصرف و مرغوب‌ترین گوشت، گوشت گوسفند است. در ادامهٔ این مبحث، دمیری از مضرّات مصرف گوشت برخی حیوانات و پرندگان که موجب بیماری می‌شده، غافل نبوده و توجه خواننده را بدان جلب کرده است. چنانکه در توصیف گوشت پرنده‌ای با نام مالک‌الحزین (غمخورک یا بوتیمار) آورده است که گوشت آن غلیظ و سرد و زیاده‌روی در مصرف آن موجب بواسیر می‌شود و یا خوردن گوشت بز را سبب ابتلا به غم و فراموشی نوشته است. توصیف و شرح خواص، ضرر و منفعت گوشت انواع ماهی‌ها آخرین مطلبی است که در این بخش آورده شده است. اهمیت گوشت ماهی عنبر را برای معالجهٔ فالج، لقوه، بلغم و خوردن آن را از نظر روانی سبب شجاعت می‌داند. خوردن گوشت ماهی عنبر را برای سالمندان و افراد سردمزاج مفید و زیاده‌روی در مصرف آن را سبب ابتلای به بیماری بواسیر دانسته است (۱۳).

– نحوهٔ استعمال داروها متعدد بوده است؛ یکی از رایج‌ترین روش‌ها، تجویز دارو به‌شیوهٔ خوراکی بوده است که تخم، شیر و گوشت از آن جمله است. البته به‌جز شیر و گوشت، برخی دیگر از اعضای بدن حیوانات به‌صورت خوردنی توصیه شده است. کاربرد دارو به‌شیوهٔ مالیدنی از شیوه‌هایی است که بسیار به آن توصیه شده است. برای نمونه می‌توان به سودمندی ماساژ بدن بیمار جذامی با چربی قُنفُذ (خارپشت) اشاره کرد و یا برای درمان تاری چشم توصیه شده که جگر الاغ بر چشم کشیده شود (۱۳).

– استعمال ادویه از راه بینی، به‌عنوان یکی از رایج‌ترین انواع کاربرد دارو، مورد توجه و تأکید دمیری در«*حیات الحیوان*» بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که استنشاق، نَشوق (داروی در بینی ریختنی و دارویی که به بینی کشند)، سَعوط (دارویی عطسه‌آور که در بینی بریزند)، انکباب (بخار ادویه گرفتن) و بخور از متداول‌ترین روش‌های تجویز انواع داروها بود (۲۲) که در استعمال داروهای حیوانی نیز کاربرد داشته است. برای نمونه می‌توان به استعمال چربی کبک برای بیماری لقوه و سکته، سودمندی فضلهٔ لک‌لک برای جلوگیری از خون‌ریزی و اهمیت زهرهٔ درّاج برای درمان بیمار وسواس اشاره کرد (۱۳).

– چکاندن دارو در گوش نیز از روش‌هایی بود که برای درمان بیماری تجویز می‌شد و دمیری در این اثر به آن اشاره کرده است. سوزاندن اجزای بدن حیوانات و کاربرد آن

به‌صورت پودر، از روش‌های دیگر استعمال دارو بوده است. به‌طور مثال مخلوط خاکستر پوست لاک‌پشت با تخم‌مرغ برای درمان درد مفاصل و زانو پیشنهاد شده و یا بخور یا بخار حاصل از چشم حیوانی به نام سنونو (پرستو)، برای مداوای تب مفید بیان شده است (۱۳).

– همراه داشتن بافت و اعضای بدن جانداران مانند دندان و یا حتی فضله و مدفوع حیوان، نحوهٔ دیگر استعمال دارو در کتاب مورد پژوهش است. چنان‌که برای معالجهٔ بیماری فواق توصیه شده که مدفوع خوک با بیمار همراه شود. یکی از موارد عجیب کارکرد ادویهٔ حیوانی که دمیری به آن اشاره کرده، آن بوده که از پوست حیوان (سگ آبی) جوراب یا پاپوش تهیه شود و بیمار مبتلا به نقرس آن را بپوشد، یا از نمونه‌های منحصربه‌فرد برای معالجهٔ بیماری بواسیر و قولنج، توصیه به نشستن بر پوست دَلَق (دلهٔ حیوانی شبیه به سمور) است (۱۳).

– داروهای حیوانی در مداوای اقسام بیماری‌ها اعم از بیماری‌های داخلی، چشم، گوش و حتی اعصاب و روان کاربرد داشته است. چنانکه به نقلی، برای مداوای بیماری جرب به فواید ادرار بز نر اشاره می‌شود (۱۳).

– همان‌گونه که یاد شد، داروهای حیوانی در بیماری‌های روان و اختلالات روحی نیز کاربرد داشتند؛ چنانچه برای از بین بردن اندوه و خفقان، خوردن قلب ضب (از خانوادهٔ سوسمارها) سودمند یاد شده است (۱۳).

– از نکاتی که نشان از وسعت اطلاعات نویسنده دارد آن است که کتاب به شیوهٔ دائره‌المعارفی نوشته شده است. برای نمونه می‌توان به تأثیر داروهای حیوانی در صفات و خصایل انسانی اشاره کرد. دمیری در یادکردش در سوزاندن پوست آهو و خوراندن آن به کودک نوشته که این دارو علاوه بر آنکه به رشد طفل کمک می‌کند، برای تقویت حافظه، تیزهوشی، فصاحت و بلاغت او نیز مؤثر است (۱۳). همچنین وی خواص زهرهٔ دُرّاج را برای تیزبینی چشم، ذهن و پیشگیری از فراموشی مفید دانسته است (۱۳).

– نویسنده علاوه بر بیان اهمیت داروهای حیوانی و اثربخشی آنها در مداوای انواع بیماری‌ها، به مبحث مهم دیگری نیز پرداخته و مضرّات و زیان کاربرد داروهای حیوانی برای انسان را از نظر دور نداشته است. چنانکه در یادکرد از ویژگی‌های زهرهٔ طاووس، خوردن آن را از موجبات ابتلا به جنون و دیوانگی یاد می‌کند (۱۳).

– دمیری در بیان اثربخشی اعضای جانوران، آن را تنها به مداوای امراض انسان محدود نکرده، بلکه از خواص و فواید درمانی داروهای حیوانی برای خود حیوانات نیز شواهدی آورده است. به‌گونه‌ای که زهرهٔ مارماهی را برای رفع جنون اسب مؤثر می‌داند (۱۳). از این‌رو می‌توان گفت که به‌سبب احتوای آگاهی‌های مختصری که در حوزهٔ دانش دامپزشکی و بیطاری در این اثر وجود دارد، از این حیث نیز درخور توجه است، هرچند برخی صاحب‌نظران این اثر را فاقد اطلاعات درخور اهمیت در زمینهٔ دامپزشکی دانسته‌اند (۵).

– درمان و معالجهٔ بیماری‌های زنان و زایمان یکی از مباحث محوری در متون دارویی و پزشکی است. در این اثر نیز نمونه‌های بسیار از خواص و فواید داروهای حیوانی در معالجهٔ امراض زنان، درمان نازایی، روش‌های آسان‌زایی، روش بارداری و پیشگیری از آن و خروج جنین مرده از رحم آورده شده است. البته به زیان برخی داروهای حیوانی که سبب سقط جنین و نازایی می‌شود نیز اشاره می‌گردد (۱۳).

– یکی از نکات جالب‌توجه، بحث تأثیر داروهای حیوانی در تعیین جنسیت جنین است. به نوشتهٔ دمیری اگر زنی پنیرمایه خرگوش نر را بخورد، فرزندش پسر و اگر پنیرمایه خرگوش ماده را بخورد، فرزندش دختر خواهد شد (۱۳).

– اعضا و بافت جانداران علاوه بر آنکه در معالجهٔ انواع امراض، کارکرد درمانی داشت، از جنبهٔ زیبایی و بهداشت و درمان امراض پوست و مو نیز تجویز می‌شدند. چنانکه مخلوط خاکستر استخوان پرنده‌ای به نام سنگخواره با روغن را برای درمان بیماری داءالثعلب و رشد مو، مفید یاد کرده است (۱۳).

– نکتهٔ نهایی در معرفی و شناسایی ادویهٔ دارویی این اثر آن است که بخشی از اطلاعات این دست‌نوشته مبتنی بر «خواص» یا خصوصیات جادویی حیوانات است. گرچه درباره «الخواص» و رسوخ آن در متون طبی و دارویی تحقیق جامعی

انجام نگرفته؛ اما در برخی دانش‌نامه‌ها از علم‌الخواص یاد شده است (۸). آملی در اثرش تعریفی از آن ارائه داده است بدین‌مضمون: «شناخت خاصیت موجودات سفلی و منافع و صفات هر یک از آن و چون اصناف موجودات بی‌شمارند و در هریک خاصیت بی‌شمار، احاطه بدین قسم از قبیل محالات است» (۹). در متونی که با عنوان «*الخواص*» به‌رشتهٔ تحریر درآمده، می‌توان اطلاعاتی حاوی خواص جادویی موجودات از جمله جانوران و اثربخشی آنها در حیات و معالجات درمانی یافت. درحقیقت نگرش جادویی و تجویز تعاویذ و طلسمات و درمان‌های مبتنی بر خواصّ بخشی از شیوهٔ درمانگری در دانش پزشکی بوده است. درمان‌هایی که برخاسته از اعتقادات عامیانه و آمیزه‌ای تلفیق‌گونه از خرافات با علم پزشکی به‌شمار می‌رود. چنانکه می‌توان ردپای آن را در کتاب‌های پزشکی و دارویی معتبر چون «*فردوس الحکمه*» و «*الحاوی*» یافت. «*حیات الحیوان*» دمیری را هم نمی‌توان از این حیث مبرّا دانست و در بخش‌های مختلف آن دستورهای درمانی غیرعلمی یافت می‌شود. دمیری گاه بدون ارجاع به منبع خاصی، از خواص دارویی یک حیوان سخن گفته است. او در این بخش پا را از حریم علم و دانش فراتر نهاده و مسائلی را دربارهٔ خاصیت برخی اجزاء بدن حیوانات مطرح کرده که چون به‌راحتی و در همه جا امکان آزمایش و تکرار ندارد، قابل پذیرفتن نیستند و مبتنی بر خرافات بوده و پایهٔ علمی ندارند (۱۳).

بنابراین بایسته است صحت و سقم مطالبِ پزشکیِ این کتاب مورد مطالعه و بررسی متخصصان فن قرارگرفته و با استفاده از روش‌های جدید آزمایشگاهی از مطالب علمی و مفید آن استفاده شود.

## نتیجه‌گیری:

دمیری ادیب و دانشمند لغوی توانست با نگارش اثر سترگ خود یکی از برجسته‌ترین متون در فهرست آثار دانش جانورشناسی را به نام خود ثبت کند. گرچه دمیری شناختی از جانوران نداشته، اما در این کتاب بیش از هزار نوع حیوان اهلی و غیراهلی، از ردهٔ پستانداران و غیرآن، پرندگان، جانوران دریایی و حتی حشرات توصیف و معرفی شده است. در ذیل نام هر یک از جانداران، اطلاعاتی در حوزه‌های مختلف علمی و غیرعلمی از لغت و ادبیات، روایات فقهی و تفسیری، امثال و حکم، انواع زیستگاه‌ها، ویژگی جسمی و رفتاری جانوران و خواص دارویی و درمانی آنها آورده شده است. محور شاخص این اثر که می‌تواند از جنبهٔ دارویی و پزشکی مورد مطالعه قرار گیرد، توجه دمیری به خواص درمانی اعضا و جوارح داخلی و بیرونی جانوران گوناگون در معالجهٔ امراض است. استعمال دارویی اجزا، بافت و جوارح جانوران، هم اعضای بیرونی و هم درونی را شامل می‌شود. داروها به صورت مفرد و یا در ترکیب با مواد خوراکی، گیاهی و معدنی تجویز شده‌اند. دمیری نمونه‌های بسیار از کاربرد داروهای جانوری در درمان انواع بیماری‌های جسمی، اختلالات اعصاب و روان و حتی زیبایی پوست و مو آورده است. نحوهٔ استعمال داروها به روش‌های متعدد بوده و شیوه‌هایی چون خوردن، مالیدن، استنشاق، بخور، استعمال از راه بینی و چکاندن در گوش تجویز شده‌اند. اگرچه دمیری بسیاری از مطالب اثرش را با نقل‌قول از آرای دارویی پیشینیان از جالینوس، ماسویه، ابن‌سینا و ... مستند کرده است، بااین‌حال مطالب اثر تلفیقی از شواهد و مستندات علمی و غیرعلمی است؛ مطالبی که نگرش خرافی و باور به خواص جادویی جانوران را در برمی‌گیرد.

جدول۱. گونه‌شناسی برخی از انواع داروهای حیوانی از اعضا و جوارح جانداران در *حیات الحیوان*

(این تحقیق جنبهٔ تاریخ علم دارد و نقل مطالبی است که در کتاب *حیات الحیوان دمیری* آمده است؛ اثربخشی این داروها مشخص نیست بنابراین نقل این موارد به منزلهٔ تأیید و توصیه به استعمال این داروها نمی‌باشد)

| بافت و اعضای بدن جانداران | کاربرد درمانی |
|---|---|
| **ادرار شتر نر** | ادرار شتر نر را اگر انسان مستی بیاشامد، در همان وقت مستی‌اش برطرف شود. همچنین ادرار شتر برای ورم کبد سودمند ذکر شده است (ج۱، ص۳۱). |
| **ادرار بز نر** | اگر ادرار بز نر را به حدی بجوشانند که غلیظ شود و به همان اندازه شکر بیفزایند و در حمام بر جَرب بمالند، جرب را از بین می‌برد (ج۱، ص۲۴۸). |
| **استخوان گوسفند** | استخوان گوسفند اگر با چوب طرفاء سوزانده و خاکستر آن با روغن شمع که از روغن گل گرفته شده، ترکیب شود و محل شکستگی را بدان بمالند، بهبود می‌بخشد (ج۲، ص۱۰۷). |
| **استخوان طاووس** | استخوان طاووس را اگر بسوزانند و پودر حاصل از سوختن را بر روی لکه‌های پوستی بمالند، بهبود می‌بخشد (ج۲، ص۱۲۵). |
| **استخوان خوک** | استخوان خوک را اگر سوزانده و پودر کنند و آن را در آب ریخته به مبتلایان بواسیر بنوشانند، بهبود می‌بخشد. همچنین اگر پودر استخوان را بر موضع دمل چرکین نهند، درمان می‌کند (ج۱، ص۱، ۴۲۸). |
| **بیضهٔ گوسفند** | برای مداوای افراد مبتلا به شب‌ادراری، مفید و مؤثر است و آن را کباب می‌کردند و به فرد مورد نظر می‌خوراندند (ج۲، ص۳۶۹). |
| **بیضهٔ گوزن** | بیضهٔ گوزن را اگر خشک کنند، هر کس بخورد، توان جنسی او افزایش می‌یابد (ج۱، ص۱۵۶). |
| **بیضهٔ روباه** | بیضهٔ روباه اگر بر ورم پشت گوش مالیده شود، سودمند می‌افتد ( ج۱، ص۲۵۹). |
| **بیضهٔ شیر** | بیضهٔ نمک‌سودشده شیر را اگر با بورهٔ سرخ و مصطکی آمیخته و پس از خشک‌کردن بسایند، و با سویق ترکیب کرده و به‌همراه آب‌گرم و به‌صورت ناشتا بیاشامند، برای درمان تمام دردهای داخلی بدن مفید است (ج۱، ص۲۲). |
| **پنیرمایهٔ خرگوش** | پنیرمایهٔ خرگوش اگر بر روی موضع سرطان مالیده شود، آثار شگفتی بر جای می‌گذارد. همچنین اگر زنی پنیرمایهٔ خرگوش نر را بخورد، پسر می‌زاید و اگر پنیرمایهٔ خرگوش ماده را بخورد، دختر می‌زاید. هرکس پنیرمایهٔ خرگوش را با سرکه آمیخته و بیاشامد، در دفع زهر افعی مفید است و اگر به‌اندازهٔ یک باقلا از آن بنوشد، تب ربع را بهبود می‌بخشد. اگر زنی به‌اندازهٔ یک درهم از آن بیاشامد، سقط جنین می‌کند و یا زایمان او به‌راحتی صورت می‌گیرد. اگر پنیرمایهٔ خرگوش را با گل خطمی بیامیزند و بر محل فرورفتن خار یا خاشاک در بدن بگذارند، به‌راحتی بیرون کشیده می‌شود (ج۱،ص ۴۰). |
| **پشم شتر** | اگر پشم شتر را سوزانده و بر محل خونریزی گذارند، خون بند می‌آید (ج۱، ص۳۱). |
| **پوست سگ آبی** | از پوست سگ آبی نوعی جوراب یا پاپوش تهیه می‌شد که اگر بیماران نقرسی آن را می‌پوشیدند، بهبود می‌یافتند (ج ۲، ص ۴۲۴). |
| **پوست دلق** | اگر فرد مبتلا به بواسیر و قولنج بر پوست دَلَق بنشیند، او را مفید می‌افتد ( ج۱، ص۴۷۱) |
| **پوست آهو** | پوست آهو را می‌سوزانند و پودر کرده و در غذای کودک می‌افزایند، بچه‌ای که آن را می‌خورد، خوب رشد می‌کند، تیزهوش، حافظ و فصیح و بلیغ می‌شود (ج۲، ص۱۴۶). |
| **پوست ببر** | اگر کسی که دچار حب‌القرع شده، بر پوست ببر بنشیند، بیماری از وی دفع شود (ج۱، ص۱۶۴). . |

ادامه جدول۱. گونه‌شناسی برخی از انواع داروهای حیوانی از اعضا و جوارح جانداران در *حیات الحیوان*

| بافت و اعضای بدن جانداران | کاربرد درمانی |
|---|---|
| **تاج خروس** | تاج خروس اگر سوزانده و پودر حاصل از آن در مایعی ریخته و به فرد مبتلا به شب‌ادراری بنوشانند، شب‌ادراری را برطرف می‌کند (ج۱، ص۴۸۴). |
| **تخم کبوتر و قمری** | خوردن مداوم تخم پرندگانی مانند انواع کبوتر و قمری، موجب افزایش قوهٔ باه و ایجادکنندهٔ عشق فراوان توصیف شده است (ج۲، ص۷۳، ۵۳۹). |
| **تخم مرغابی خانگی** | تخم مرغابی خانگی معتدل‌الحراره است (ج۱، ص۱۵۲). |
| **تخم هوبره** | تخم هوبره حاوی ژن نوع نر، موی را سیاه می‌کند و سیاهی حاصل از آن تا یک‌سال باقی می‌ماند. برای تشخیص تخم حامل ژن نر و ماده، به کتاب مراجعه شود (ج۱، ص۳۲۳). |
| **تخم‌مرغ خانگی** | طبع گرم دارد و با رطوبت و خشکی سازگار است و برای خوردن، بهترین نوع تخم است. تخم‌مرغ تازه سودمندتر است و قوهٔ باه را افزایش می‌دهد؛ اما مداومت در خوردن آن موجب ایجاد خال و لکه‌های سیاه در پوست صورت می‌شود. نیم‌برشت تخم‌مرغ بهترین نوع غذا و انرژی‌زاست (ج۱، ص۴۶۳). |
| **تخم مار** | تخم مار را اگر کوبیده و با بوره و سرکه بیامیزند و بر برص تازه بمالند، برص را قطع می‌کند (ج۱، ص۴۰۰). |
| **جگر گوسفند** | جگر تازهٔ گوسفند نر اگر سوزانده و با سوختهٔ آن دندان‌ها را بمالند، سفید می‌کند (ج۲، ص۱۰۶). مایع موجود در جگر بز نر را- وقتی که تازه ذبح شده باشد- اگر در گوشی که درد می‌کند، بچکانند، گوش درد را برطرف می‌سازد (ج۱، ص۲۴۸). |
| **جگر کبک** | جگر کبک را وقتی که تازه و گرم است، اگر کسی به‌اندازهٔ نیم‌مثقال ببلعد، برای دفع بی‌تابی مفید می‌افتد (ج۱، ص۳۲۵). |
| **جگر کلاغ** | جگر کلاغ اگر بر چشم مالیده شود، تاری دید را از بین می‌برد (ج۲، ص۲۴۶). |
| **جگر تمساح** | اگر فرد مبتلا به صرع، بخار حاصل از جگر تمساح را استنشاق کند، بیماری صرعش از بین می‌رود (ج۱، ص۲۳۸). |
| **چربی و پیه خرس** | مالیدن چربی خرس در درمان برص و زخم‌های اطراف چشم (ج۱، ص۴۵۵- ۴۵۶). |
| **چربی آفتاب‌پرست** | اگر بر روی تکهٔ آهنی گذاشته شود و با آتش سوزانده شود و با مقدار کمی خون ترکیب گردد و خون و چربی بر آن افزوده شود و بر جراحات سر و جوش و آبله مالیده شود، به یکباره شفا می‌دهد (ج۱، ص۳۳۰). |
| **چربی گرگ** | چربی گرگ برای درمان خورهٔ مو و کچلی (ج۱، ص۵۰۵). |
| **چربی گورخر** | روغن گورخر همراه با روغن بلسان، برای کسی که نیمهٔ بدنش سست شده باشد، مفید است (ج۲، ص۵۵۷). برای درمان همهٔ بیماری‌های پوستی (ج۱، ص۳۶۱). |
| **چربی شیر** | اگر کسی پیه شیر را بر دست و پایش بمالد، از سرما در امان می‌ماند ( ج۱، ص۲۲). |
| **چربی گاو و گوسفند** | چربی گاو و چربی گوسفند را با آب کراث (نوعی تره) مخلوط می‌کردند و زن زائو بر آن می‌نشست تا زایمانش آسان شود (ج۲، ص۳۶۹). |
| **چربی گاومیش** | چربی گاومیش همراه با نمک‌اندرانی برای درمان انواع بیماری‌های پوستی اعم از کلف و برص و جرب (ج۱، ص۲۶۴) |
| **چربی مرغابی اهلی** | مالیدن روغن مرغابی خانگی نیز برای درمان درد پهلو و خوره سودمند توصیف شده است (ج۱، ص۱۵۲). |

ادامه جدول۱. گونه‌شناسی برخی از انواع داروهای حیوانی از اعضا و جوارح جانداران در *حیات الحیوان*

| بافت و اعضای بدن جانداران | کاربرد درمانی |
|---|---|
| **چربی بدن دلفین** | اگر در میان حنظلی که داخل آن خالی شده، بجوشانند و در گوش چکانند، بسیار سودمند می‌افتد. همچنین خوردن پیه این حیوان درد مفاصل را بهبود می‌بخشد (ج۱، ص۴۷۱). |
| **چربی ضب** | مالیدن چربی ضب (حیوانی از خانوادهٔ سوسمار) بر بخش‌هایی از بدن، توان جنسی را بالا می‌برد و اگر کسی کمی از این چربی را بخورد، مدت‌ها عطش نمی‌کند (ج۲، ص۱۱۱). |
| **چشم بلدرچین** | چشم بلدرچین برای مداوای برخی بیماری‌های چشمی توصیه شده است. همچنین سرمهٔ حاصل از آن برای کبد نیز مفید و مؤثر است (ج۲، ص۳۵-۳۶). |
| **خون سگ آبی** | اگر با آب زیرهٔ کرمانی آمیخته و به فرد بیمار مبتلا به مشکل ادراری، نوشانده شود، مفید است (ج۲، ص۴۲۴). |
| **خون گاو** | اگر بر روی زخم بدن آدمی ریخته شود، خون را بند می‌آورد (ج۱، ص۲۱۹). |
| **خون گوزن** | خوردن خون گوزن موجب شکستن سنگ مثانه می‌شود (ج۱، ص۱۵۶). |
| **خون گوسفند** | خون تازه و گرم گوسفند اگر بر روی لکه‌های سفید روی پیشانی مالیده شود، آنها را از بین می‌برد (ج۲، ص۱۰۶). |
| **خون قمری** | مفید برای درمان درد و ورم چشم و مؤثر در افزایش قوهٔ باه (ج۲، ص۷۳؛ ج۲، ص۵۳۹). |
| **خون خروس** | یا مغز آن اگر بر محل گزیدگی مالیده شود، بهبود می‌بخشد. اگر خون خروس را به‌چشم بکشند برای سفیدی چشم مفید واقع می‌شود (ج۱، ص۴۸۴). |
| **زهرهٔ گوسفند** | اگر زهرهٔ گوسفند ماده (میش) داغ‌شده و با روغن ترکیب شود و ابروها را بدان بمالند، موهای ابروها زیاد شده و پرپشت می‌شود (ج۲، ص۴۸۸). اگر زهرهٔ گوسفند-به‌صورت آمیخته با عسل- سرمه شود، از آب‌ریزش چشم جلوگیری می‌کند (ج۲، ص۱۰۷). |
| **زهرهٔ اسب دریایی** | اگر زهرهٔ نوعی اسب دریایی که در نیل مصر یافت می‌شود، ۳۰ روز در آب بماند و سپس خشک شده و به‌صورت پودر درآید و همراه عسلی که گرمای آتش ندیده باشد، به چشم مالیده شود، آب سیاه را از بین می‌برد (ج۲، ص۳۰۰). |
| **زهرهٔ کبک** | به‌گفتهٔ دمیری، زهرهٔ کبک اگر سرمه شود، برای چشم مفید است. زهرهٔ کبک اگر با آب رازیانه ترکیب و سرمه شود، شب‌کوری را بهبود می‌بخشد. همچنین اگر زهرهٔ کبک نر با روغن زنبق آمیخته و فرد تب‌دار آن را استنشاق کند، تب او برطرف می‌شود (ج۲، ص۳۲۵). |
| **زهرهٔ بلدرچین** | زهرهٔ بلدرچین اگر با زعفران مخلوط وگرم شود، و بر روی بیماری پوستی زگیل مالیده شود، آثار زگیل را می‌برد و پوست، رنگ طبیعی خود را باز می‌یابد (ج۲، ص۳۵-۳۶؛ ص ۴۲۴). |
| **زهرهٔ گاو** | زهرهٔ گاو را اگر با آب گیاه گندنا بیامیزند، برای بواسیر سودمند می‌افتد و درد آن را برطرف می‌سازد و اگر زهرهٔ گاو را بر لکه‌های سیاه روی بدن بمالند، رنگ آنها را برطرف وجای آنها را به‌رنگ طبیعی در می‌آورد. اگر زهره را با عسل آمیخته و بر چشم سرمه کنند، تاری چشم را از بین می‌برد (ج۱، ص۲۱۹). |
| **زهرهٔ عقاب و باز** | زهرهٔ عقاب اگر با آب سرد ترکیب شده و هفت بار به چشم کشیده یا به اطراف چشم مالیده شود، مانع آب‌ریزش چشم می‌شود (ج۲، ص۴۷۸). برای زهرهٔ باز نیز چنین خاصیتی ذکر شده است (ج۱، ص۱۶۱). |
| **سر خفاش** | اگر سر خفاش در ظرف مسی و یا آهنی آمیخته با روغن زنبق پخته شود و چندبار به‌هم زده شود، و سپس روغن از او جدا گردد، و به بدن فرد مبتلا به نقرس یا فلج یا ارتعاش و یا تنگی نفس مالیده شود، بهبود می‌بخشد (ج۱، ص۴۱۶). |

ادامه جدول۱. گونه‌شناسی برخی از انواع داروهای حیوانی از اعضا و جوارح جانداران در *حیات الحیوان*

| بافت و اعضای بدن جانداران | کاربرد درمانی |
|---|---|
| **سرگین گاو** | اگر سرگین گاو را بر ورم‌های سخت بمالند، به‌زودی نرم می‌شود و اگر آن را نرم کرده و بر بدن بیمار نقرسی بمالند، سودمند می‌افتد. دود حاصل از سوزاندن سرگین گاو، موجب راحتی وضع‌حمل می‌شود. اگر پودر خاکستر حاصل از سرگین گاو را بر بینی گذارند، خون‌ریزی بینی را قطع می‌کند (ج۱، ص۲۱۹). |
| **فضلهٔ گنجشک** | فضلهٔ گنجشک به‌صورت مخلوط با آب دهان، برای درمان زگیل مؤثر بود و آن را از بین می‌برد (ج۲، ص۱۶۵). |
| **فضلهٔ پرستو** | فضلهٔ پرستو را اگر پودر کنند و بر جوش‌های چرکین بزرگ یا دمل بمالند، بهبود می‌بخشد (ج۱، ص۴۱۳). |
| **شاخ گاو و گوزن** | خاکستر شاخ گاو وحشی اگر بر دندان گذاشته شود، درد دندان را ساکت می‌کند. همچنین سوختهٔ آن اگر به آدمی که دچار تب ربع شده خورانده شود، تب را از بین می‌برد. هم‌چنین اگر خاکستر شاخ گاو وحشی را با سرکه داغ کرده و پیش از طلوع آفتاب بر محل برص بمالند، برص را از بین می‌برد (ج۱، ص۲۲۱؛ ج۲، ص۴۵۰). البته این سخنان را دربارهٔ پودر شاخ گاو اهلی نیز تکرار کرده است (ج۱، ص۲۱۹).<br>اگر شاخ و سم بز کوهی را کوفته و با روغن بیامیزند، و بر بدن کسی که بسیار راه می‌رود، بمالند، خستگی‌اش را چنان برطرف می‌کند که گویی هیچ راه نرفته است (ج۱، ص۴۲).<br>سوزاندن و ساییدن شاخ گوزن و مسواک کردن دندان‌ها با پودر حاصل از آن، زردی دندان‌ها را از بین می‌برد و بیخ دندانها را محکم می‌کند (ج۱، ص۱۵۶). |
| **عسل** | عسل غذایی گرم و خشک، ادرار آور، مسهل، عطش‌آور، و مولد خون گرم معرفی شده است. عسل آب‌نخورده و آتش‌ندیده، اگر با مشک آمیخته و به‌چشم کشیده شود، آب‌ریزش چشم را درمان می‌کند. لیسیدن عسل برای کسی که توسط سگِ هار گاز گرفته شده، درمان‌کننده است. همچنین عسل پخته برای دفع سموم مفید ذکر شده است (ج۲، ص۴۷۳). |
| **گوشت گوسفند و گاو** | بهترین گوشت، گوشت گوسفند جوان یک‌ساله است که به‌نهایت جوانی رسیده باشد که از غلبهٔ سودا جلوگیری می‌کند (ج۲، ص۱۰۶). و نیز گوشت گاوی است که به سن شباب نرسیده باشد و گوشت بز نر اخته‌شده است (ج۱، ص۴۰۳). در عین حال گوشت میش برای افراد شب‌کور زیان‌آور توصیف شده است (ج۲، ص۱۰۶). |
| **گوشت بز** | گوشت بز موجب ایجاد غم و فراموشی می‌شود و سودا را تحریک می‌کند. اما برای کسانی که دمل دارند، بسیار مفید است (ج۲، ص۴۴۴). گوشت بزغاله برای افرادی که بدنشان جوش و یا آبله دارد، مفید است (ج۱، ص۲۶۷). خوردن گوشت اسب بادها را برطرف می‌کند (ج۲، ص۲۹۸). |
| **گوشت مرغ خانگی** | گوشت مرغ خانگی معتدل‌الحراره و نیکوست. خوردن گوشت مرغ جوان عقل و منی را زیاد می‌کند و صدا را صاف می‌سازد؛ اما برای معده و ورزشکاران زیان‌آور است. این گوشت برای جوانان و در فصل بهار مناسب‌تر است. گوشت مرغ همچنین رنگ را نیکو ساخته و مغز استخوان‌هایش، مغز استخوان و عقل را قوت می‌بخشد (ج۱، ص۴۶۳). |
| **گوشت خروس** | گرم وخشک است و برای افراد مبتلا به قولنج سودمند است. خوردن گوشت آن با مزاج‌های سرد و پیران و در فصل زمستان سازگارتر است. گوشت خروس پیر برای مفاصل، رعشه و تب کهنه سودمند است به‌ویژه زمانی که با نمک زیاد و همراه با آب کلم و شیرهٔ قرطم و اسفناج پخته شود. اما گوشت خروس جوان برای همهٔ مردم مناسب است (ج۱، ص۴۸۴). |

## References:

1. Mehri F. *Kitāb al-Hayawān*: Zoology in Islamic civilization. Maaref. 2009;67:44-63.
2. Aqababaie Khuzani Z. An investigation of translations of Hayat al-Heivan and veterinary books in Iran from the beginning to the Qajar time. Textual Criticism of Persian Literature. 2013;5(2):97-120.
3. Moeini M. *Damiri, Kamal al-Din Muhammad ibn Musa*. Tehran: Encyclopedia of the Islamic world; 2014. [In Persian].
4. Mohammadifar SH. Damiri's views in zoology. Tehran: Encyclopedia of the Islamic world; 2013. [In Persian].
5. Tāj□bakhsh H. History of veterinary medicine and medicine in Iran. Tehran: University of Tehran Press;1996. Vol.2. [In Persian].
6. Ibn al-Nadīm M. *Al-Fihrist*. Translated by Tajaddod MR. Tehran: Asatir; 2002. Vol.2. [In Persian].
7. Sezgin F. History of Arabic manuscripts. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2000. Vol.3. [In Persian].
8. Al-Rāzī. F. *Jami 'al–Ulum*. Ed by: Al-e Dawood A. Tehran: Nashr sorayya; 2012. [In Persian].
9. Amoli M. *Nafais al-Fonun fi Arais al-Oyun*. Tehran: Islamic Bookstore; 2002. Vol.1&3. [In Persian].
10. Fārābī M. *Ihsa' al-'Ulum.* Translated by Khadiv Jam H. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 2002. [In Persian].
11. Baloch NB. The great books of Islamic civilization. Translated by Aghamohammad Shirazi Z. Tehran: Safineh; 2005. [In Persian].
12. Sarkis YE. *Mu'jam al-Matbu'at al-'Arabiyah wa-al-Mu'arrabah* (The Dictionary of Arab and Arabized Publications). Misr: Matba'ah Sarkis; 1928. Vol.1. [In Arabic].
13. Damiri M. *Hayāt al-Hayawan* (A Zoological Lexicon). Ed by: Basij AH. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah; 2003. Vol.1&2. [In Arabic].
14. Harawi M. *Al-Abnyia 'an Haqa'iq al-Adwiya*. Tehran: University of Tehran Press; 1967. [In Persian].
15. Bīrūnī M. *Al-Saydanah fi al-Tibb*. Ed by Zaryab A. Tehran: University Publication Center; 1991. [In Arabic].
16. Ibn al-Baytār ZA. *Al-Jāmi li-Mufradāt al-Adwiya wa-l-Aghdhiya*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah; 1992. Vol.l&2. [In Arabic].
17. Tonekaboni MM. *Tohfat al-Momenin*. Qom: Noor Wahi Publications; 2011. Vol.1. [In Persian].
18. Aqili Alavi Shirazi SMH. *Makhzan al-Adwiya*. Ed by Shams Ardekani MR; Rahimi R; Farjadmand F. Tehran: Choogan; 2013. [In Persian].
19. Rabban al-Tabari A. *Firdaws al-Hikma fi al-Tibb* (Paradise of Wisdom). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah; 2002. [In Arabic].
20. Rhazes. *Al-Hawi fi al-Tibb* (The Liber Continens). Beirut: Dār Ihyā` al-Turāth al-Arabī; 2001. Vol.20&21. [In Arabic].
21. Avicenna. *Al-Qanun fi al-Tibb* (The Canon of Medicine). Beirut: Dār Ihyā` al-Turāth al-Arabī; 2005. Vol.1. [In Arabic].
22. Zarshenas MM, Zargaran A, Müller J, Mohagheghzadeh A. Nasal drug delivery in Traditional Persian Medicine. Jundishapur Journal of Natural Pharmaceutical Products. 2013 Aug;8(3):144.